

۴۰ ویژگی‌های بخش‌های اقتصادی و بازرگانی خارجی انگلستان

کشاورزی :

oooooooooooo



علی‌رغم تراکم زیاد

جمعیت و صنعتی بودن این کشور

و همچنین تأمین بخش عمده‌ای از

نیازهای غذایی آن از طریق

واردات، مع‌هذا کشاورزی از

مهمترین بخش‌های انگلستان به‌شمار می‌رود و با وجود اینکه سهم نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی نسبت به همین سهم در سایر کشورهای صنعتی کمتر است، مع‌ذکر بهره‌وری بسیار بالا و آب‌وهوای مساعد موجب‌گردیده تا تولیدات کشاورزی بیش از $\frac{2}{3}$ ما یحتاج داخلی این کشور را تأمین نماید و قابلیت تولید بیش از $\frac{4}{5}$ برابر محصولاتی که در آب و هوای معتدل به عمل می‌آید را دارا باشد. خاک مناطق مرتفع در انگلستان اغلب کم‌عمق و ضعیف بوده و مناسب کشاورزی نمی‌باشد. در بیشتر نواحی، کشاورزان صرفاً در دره‌ها و زمینهای پست - که دارای خاک غنی و عمیقتری است - اقدام به کشاورزی نموده‌اند. تقریباً تمام زمینهای پست انگلستان به استثنای مقدار کمی بوته‌زار و جنگل زیرکشت قرار

دارند و زمینهای مزروعی تمام نواحی کشور (به استثنای شهرها و تأسیسات صنعتی) را پوشانده است . بادر نظرگرفتن این وضع ، زمینهای قابل بهره‌برداری در این کشور به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند : زمینهای مناسب کشاورزی و مراتع و جنگلها در مناطق کوهستانی، اغلب زمینهای زیرکشت بسیار کوچک اند لیکن با پیوستن به چراگاهها ، بخش عمده‌ای از مناطق کوهستانی را تشکیل می‌دهند . در انگلستان همواره سعی شده است تا مزارع کوچک در مزارع بزرگتر ادغام شوند. در سال ۱۹۸۲ متوسط سطح زیرکشت مزارع ۱۱۸ هکتار (۲۹۲ آکر)^(۱) بوده است که در حدود نیمی از ۲۴۲۳۰۰ واحد کشاورزی قادر به ایجاد اشتغال تمام وقت برای حداقل یک نفر بوده‌اند . که از این میان حدود ۳۴۰۰۰ قطعه از زمینها (اندازه متوسط آنها ۲۳ هکتار) در ایرلند شمالی واقع گردیده است . بطور کلی در سالهای اخیر نسبت زمینهای کشاورزی - به کل مساحت در انگلستان - به دلیل اختصاص روزافزون آنها به امر خانه‌سازی و مسکن، روبه‌کاهش بوده است بطوری که از ۷۷/۶ درصد در سال ۱۹۷۴ به ۷۶/۵ درصد در سال ۱۹۸۴ رسیده است و تنها در این سال سطح زمینهای کشاورزی ۲۰۰۰۰ هکتار نسبت به سال ۱۹۸۱ تقلیل یافته است . از طرف دیگر نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی این کشور نیز در حال نقصان است اما به دلیل روند روبه‌رشد مکانیزه‌کردن و تخصصی نمودن این بخش ، بهره‌وری در طی مدت مذکور (۱۹۷۴ - ۸۴) به میزان ۶۵ درصد افزایش یافته است .

(۱): یک آکر (acre) جریب فرنگی معادل ۴۰۴۷ مترمربع می‌باشد .

جدول شماره ۱۲- محصولات عمده گند و گندم در پاکستان در طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶

سال	گندم		جو		سویا		سایر		مجموعه		چگندم و گندم												
	سویا	گندم	سویا	جو	سویا	سویا	سویا	سویا	سویا	سویا													
۱۹۸۶	۱۹۳۹	۱۳۹۵۸	۷/۷۱	۱۹۷۹	۱۱۵۴	۵/۵۹	۱۵۶	۵۱۷	۴/۸۲	۱۹۸	۳۷/۳۶	۱۹۶	۳۷/۳۶	۱۹۸	۳۷/۳۶	۱۹۸	۳۷/۳۶	۱۹۸	۳۷/۳۶	۱۹۸	۳۷/۳۶		
۱۹۸۵	۱۹۰۳	۱۳۵۵۰	۶/۳۳	۱۹۶۶	۹۷۴۵	۴/۹۵	۱۳۴	۶۱۵	۴/۵۹	۱۹۳	۶۸۹۵	۳۵/۸۸	۳۵۲	۳۵/۸۸	۶۸۹۵	۳۵/۸۸	۳۵۲	۳۵/۸۸	۳۵۲	۳۵/۸۸	۳۵۲	۳۵/۸۸	
۱۹۸۴	۱۹۹۷	۱۳۹۱۰	۶/۴۶	۱۹۱۷	۱۵۵۱۵	۵/۲۲	۹۷	۵۰۵	۵/۱۶	۱۷۹	۶۴۴۵	۳۶	۳۶	۱۷۹	۶۴۴۵	۳۶	۳۶	۱۷۹	۶۴۴۵	۳۶	۳۶	۱۷۹	۶۴۴۵

FAO, Production Yearbook 1986, Vol. 40, FAO Pub. : 1987

جدول شماره ۱۳- قیمت فساتل در گندم و گندم در پاکستان در طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۶
واحد: هزار روپيه

سال	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۸۶
گندم	۵۶۴۰۶	۵۶۵۱۴	۵۶۸۲۷	۵۶۸۳۳
گندم و گندم				
مجموعه فساتل از نظر اقتصادي :				
گندم	۲۶۱۶۴	۲۷۵۳۸	۲۷۷۷۵	۲۷۸۳۴
گندم و گندم	۷۱۱	۷۵۶	۶۳۳	۶۱۸
مجموعه فساتل از نظر اقتصادي :				
گندم	۲/۷	۲/۶	۲/۳	۲/۳

FAO, Production Yearbook 1986, Vol. 40, FAO Pub. : 1987
Apr. 1987 P. 31.

بطورکلی از قریب ۲۸ میلیون نفر جمعیت فعال انگلستان در سال ۱۹۸۶ حدود ۲/۲ درصد و از کل جمعیت این کشور حدود ۱/۱ درصد در بخش کشاورزی فعالیت دارند در این میان $\frac{۳}{۵}$ اوقات کشاورزان به دامپروری اختصاص دارد و در سال ۱۹۸۲ برای هر سیزده هکتار تنها یک تراکتور وجود داشته است. جنگلداری و ماهیگیری نیز در انگلستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر طبق برآوردهای سال ۱۹۸۵ حدود ۹/۳ درصد از کل زمینهای این کشور از جنگل پوشیده بوده است. که $\frac{۱}{۲}$ میلیون هکتار آن توسط کمیسیون جنگلداری اداره می‌شود. دولت انگلستان سعی دارد با توسعه و گسترش مستمر جنگلها از وابستگی خود به واردات چوب بکاهد. قابل توجه است که تولید داخلی چوب تنها پاسخگوی ۱۰ درصد از نیازهای داخلی این کشور است.

صید داخلی در انگلستان $\frac{۲}{۳}$ از ما یحتاج کشور را تأمین نموده و از منابع مهم اشتغال در بعضی از بنادر به حساب می‌آید. در پایان سال ۱۹۸۳، از مجموع ۷۲۳۱ فرزند کشتی ماهیگیری در بنادر انگلستان، ۲۱۸۰ فرزند از آنها در اسکاتلند بوده‌اند حال آنکه ۲۴۱۴ فرزند نیز به صید با تورا اشتغال داشته‌اند. در ژانویه ۱۹۸۳ کشورهای جامعه اروپا به موجب توافقنامه‌ای حق صیادی تساهل محدود دوازده مایلی انگلستان را به مدت ۲۰ سال به دست آوردند، و از طرفی در مورد اجرای سهمیه بندی و استانداردها نمودن سوراخهای تور نیز به توافق رسیدند. بر اساس این موافقتنامه ناوگان صیادی انگلستان حق صید در فواصل دور (مانند ایسلند) را از دست داد. در سال ۱۹۸۶ در مجموع ۷۱۷۰۰ تن ماهی - به استثنای

ماهیهای قزل آلا و آزاد - صید شده است . لازم به یادآوری است که پرورش ماهی قزل آلا و آزاد از مشاغل مهم در این کشور محسوب می شود . در این سال کل واردات ماهی نیز به ۴۱۵۰۰۰ تن بالغ گردید در حالی که میزان صادرات و صادرات مجدد ماهی در طی همین سال در مجموع به ۳۵۱۰۰۰ تن رسیده است .

از مشخصات مهم کشاورزی در انگلستان حرکت به سوی سرمایه‌بری بیشتر و کاهش نسبت فعالیت‌های کشاورزی کاربر است . در بین سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۶ ، افزایش بهره‌وری نیروی کار بیش از ۶۰ درصد بوده است . حال آنکه افزایش سرمایه‌گذاری نیز باعث افزایش سرمایه سرانه گردیده است .

بخش صنعت :

oooooooooooo

با وقوع انقلاب صنعتی انگلستان در قرن هیجدهم ، کشاورزان متوجه کارخانه‌های بزرگ و معادن شدند و زمینهای بایر و مناطق کوهستانی کم جمعیت به نواحی صنعتی مبدل گردیدند . تا اواخر قرن نوزدهم و حتی سالهای اول قرن بیستم انگلستان بزرگترین کشور صنعتی جهان به شمار می‌رفت . لیکن ، در این قرن بخصوص پس از جنگ بین الملل اول سه کشور صنعتی دیگر در جهان مطرح شدند که عبارت بودند از آمریکا ، شوروی و آلمان . و به این ترتیب انگلستان رفته رفته سیاست جهانی خود را در عرصه صنعت از دست داد . در فاصله بین دومین جنگ جهانی تا اولین بحران نفتی در سال ۱۹۷۳ ، در نتیجه رشد و توسعه مستمر اقتصاد و بازرگانی

جهانی و به دلیل روابط ضعیف صنعتی در انگلستان و سطح بسیسار پائین سرمایه‌گذاری نسبت به سایر رقبا و استراتژی‌های ضعیف بازاریابی در این کشور، زمینه‌ساز کاهش قدرت رقابت بین‌المللی و عملکرد ضعیف اقتصاد آن گردید. از زمان شروع رکود جهانی در سال ۱۹۷۴، بخش صنعت انگلستان شرایط را برای ورود به رقابت شدیدی که توسط صادرکنندگان سنتی و کشورهای صنعتی جدید به وجود آمده بود، بسیار دشوار یافت. پس از دومین بحران نفتی در سال ۱۹۷۹، این بخش با کاهش تولید و ضعف قدرت رقابت مواجه گردید. در انگلستان نیز مانند سایر کشورهای توسعه یافته، ارتقاء سطح زندگی در چند دهه اخیر موجب افزایش تقاضا برای خدمات گردید که این امر موجب تمرکز فعالیتها در این بخش و در نتیجه افزایش سهم آن در تولید ناخالص داخلی و بالعکس کاهش سهم بخش صنعت شد. در سال ۱۹۸۶ بخش صنعت همراه با بخش خدمات و ساختمان در مجموع ۹۱ درصد از تولید ناخالص داخلی انگلستان را به خود اختصاص داده‌اند. در این سال سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی، ۲۴/۳ درصد بود. این بخش ۲۴/۳ درصد از اشتغال را نیز در طی همین سال به خود اختصاص داده است بطوری که نزدیک به ۷۵ درصد از صادرات را در این سال کالاهای صنعتی و نیمه‌صنعتی^(۱) تشکیل داده‌اند که ارزش آنها نزدیک به دو برابر ارزش صادرات خدمات بوده است.

در انگلستان بخش عمده تولیدات صنعتی توسط کارخانجات

(۱): Manufactured & Semi-manufactured

(ساخته و نیمه‌ساخته)

بخش خصوصی صورت می‌گیرد و اگرچه قسمت اعظم صنایع آهن، فولاد و کشتی سازی تحت تملک بخش دولتی است با وجود این دولت انگلستان از سالها پیش در تلاش جهت محدود نمودن مالکیت دولتی بر صنایع این کشور می‌باشد. پس از رکود سال‌های ۱۹۸۰-۸۱ سطح تولید و تولید سرانه بخش صنعت و سوددهی آن افزایش یافت بطوری که در سال ۱۹۸۶ تولیدات این بخش ۱۱ درصد بیش از تولیدات سال ۱۹۸۱ بود و سوددهی خالص آن نیز از ۲ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۷/۲ درصد در سال ۱۹۸۶ رسید هر چند اثرات نامطلوب رکود به حدی بود که تولید سالیانه در سال ۱۹۸۶ نتوانست به موقعیت سال ۱۹۷۹ دست یابد. افزایش بهره‌وری در سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ باعث کاهش نیروی کار گردید بطوری که میزان اشتغال در این بخش از ۷/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۷۹، به ۵/۹ میلیون نفر در سال ۱۹۸۲ رسید که این تعداد در نهایت به حدود ۵/۲ میلیون نفر در سال ۱۹۸۶ کاهش یافت.

در نتیجه رکود جهانی اوائل دهه ۱۹۸۰ گروه صنایع بسوق، الکترونیک و مهندسی ابزارآلات نسبت به سایر صنایع آسیب کمتری را متحمل شدند بطوری که از سال ۱۹۸۲ به بعد نیز تولید این صنایع به صورتی با ثبات در حال افزایش بوده است.

صنایع شیمیایی انگلستان در میان کشورهای اروپایی مقام سوم و در جهان غیر کمونیستی رتبه پنجم را دارا می‌باشد. نزدیک به نیمی از تولیدات این صنعت به خارج از کشور صادر می‌شود بطوری که در سال ۱۹۸۶ نزدیک به ۲۳۰۰ میلیون پوند به تراز پرداختهای این کشور کمک نموده است. شرکتی به نام صنایع

جدول شماره ۱۴- منابع عمده در انگلستان و سیران تولید، انتشار، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری این منابع در طی سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶

رشته عمده	تولید داخلی (میلیون پوند)	انتشار (میلیون پوند)	سرمایه‌گذاری (میلیون پوند)	بهره‌وری (میلیون پوند بر مایه)
مواد شیمیایی و الیاف مصنوعی	۷۵۹۹	۳۲۶	۸۲/۲	۱۴۷/۱
	۲۷۸۰	۱۷۲	۵۹/۸	۱۸۲/۷
ساخت فلزات	۳۶۷۸	۲۲۳	۷۶/۶	۱۲۶/۷
	۱۰۲۵۰	۷۶۱		۱۱۵۲
سرمایش مکانیک	۸۹۸۵	۷۲۳		۱۱۸۲
	۳۹۰۷	۳۰۳	۷۳/۱	۱۴۰/۹
سایر کارهای فلزی	۲۰۴۱	۲۵۲		۹۸۸
	۳۸۲۶	۲۶۹		۱۴۱۷
مواد فلزی، شیشه و سفالینات	۹۶۴۶	۵۵۲	۷۹/۳	
	۲۲۸۴	۲۳۶		۲۴۹
السیمه، کفشی و چرم	۲۶۵۹	۳۰۰	۷۹/۱	۱۳۱/۲
	۷۲۳۷	۲۷۶		۲۴۰
کابله، چاقو و اختراعات	۵۸۱۹	۵۲۴	۹۲	۱۱۰/۷
	۲۲۹۲۱	۵۱۲۸	۷۷/۹	۹۰۷۵
متنوع				

شیمیایی سلطنتی^(۱) "ICI" (پنجمین شرکت بزرگ شیمیایی در جهان) حدود یک چهارم از کل تولیدات این صنعت را در این کشور برعهده دارد. انگلستان بطور سنتی تولیدکننده مواد شیمیایی صنعتی اساسی^(۲) از قبیل: مواد شیمیایی معدنی و غیر معدنی (قلیایی)، پلاستیکها و انواع کود بوده است. اگرچه این بخشها هنوز هم در حدود ۴۰ درصد از کل تولیدات این صنعت را در انگلستان تشکیل می دهند لیکن در سالهای اخیر تولید مواد شیمیایی سودآور بخصوص حشره کشها و لوازم آرایش به مراتب از رشد بیشتری برخوردار بوده اند. در سال ۱۹۸۶ بیش از $\frac{1}{3}$ از مازاد بازرگانی خارجی مواد شیمیایی از محل مواد دارویی بوده است. انواع مختلف الیاف مصنوعی نیز در انگلستان تولید می شود. انواع بسیار متنوع این الیاف با در نظر گرفتن نیازهای بازار و کاربردهای تخصصی آنها تولید می گردند که مهمترین آنها عبارتند از: الیاف ضد آتش و آنتی استاتیک^(۳) و پارچه های بافته نشده.

صنایع هواپیمایی انگلستان پس از صنایع هواپیمایی ایالات متحده آمریکا و شوروی در مقام سوم قرار دارد و از بزرگترین این صنایع در جهان محسوب می گردد. در سال ۱۹۸۶ درآمد این بخش از صنعت هشت هزار میلیون پوند بوده است و این در حالی است که صادرات آن ۴۷۰۰ میلیون پوند و سهم آن در ترازپرداختهای این کشور به حدود دوهزار میلیون پوند بالغ گردیده است. بخش اعظم

(۱): Imperial Chemical Industries

(۲): Basic Industrial Chemicals

(۳): Antistatic (ضد الکتریسیته ساکن)

این صادرات در نتیجه فعالیت‌های آئروسپیس انگلستان (۱) " Bae " بوده است . Bae سازنده اصلی بدنه هواپیما در انگلستان به شمار می‌رود بطوری که ارزش سفارشات دریافتی آن تنها در آغاز سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۸۶۰۰ میلیون پوند بوده است . Bae از سازندگان مهم محصولات هواپیمایی ، فضائی و الکترونیکی محسوب می‌گردد و ۲۰ درصد از کنترسیوم صنایع ایرباس اروپا را در اختیار دارد . انگلستان دهمین تولیدکننده بزرگ فولاد در جهان می‌باشد . در سال ۱۹۸۶ تولیدکنندگان انگلیسی ۱۳/۱ میلیون تن فرآورده‌های نهایی فولاد (۲) تولید نموده‌اند که ۶۴ درصد از آن در بازار داخلی به فروش رسیده و مابقی صادر شده است . شرکت سها می فولاد انگلستان (BSC) چهارمین شرکت بزرگ تولیدکننده فولاد در جهان است که تولیدات آن حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از کل تولید فولاد خام این کشور را تشکیل می‌دهد . در حال حاضر تولیدات فعلی این شرکت عبارتند از : ورق ، قطعات سنگین ، لوله و محصولات ضد زنگ . کارخانجات بخش خصوصی به ساخت فولادهای مهندسی و سایر اقلام تخصصی اشتغال دارند . محصولات صنایع فلزات غیر آهنی و میزان تولید آن در سال ۱۹۸۶ عبارتند از : آلومینیوم (۲۷۶۰۰۰ تن فلز اولیه (۳)) ؛ مس تصفیه شده (۶۲۰۰۰ تن فلز اولیه) ؛ سرب تصفیه شده (۱۵۶۰۰۰ تن فلز اولیه) ؛ و روی (۸۶۰۰۰ تن فلز اولیه) . تولید فلز اولیه عمده متکی به سنگهای معدنی تغلیظ

(۱): British Aerospace

(۲): Finished Steel

(۳): Primary Metal

شده وارداتی " Concentrates " و دیگر فلزات تصفیه شـسـده می باشد . انگلستان همچنین از تولیدکنندگان عمده آلیاژهای ویژه - جهت تکنولوژی های پیشرفته - می باشد . فلز " تیتانیوم " و آلیاژهای آن که دارای کاربردهای بسیار زیادی در صنایع هوایی ، نیروگاههای تولید برق و تولید نفت در دریای شمال دارد ، در مقیاس وسیعی تولید شده و به مصرف می رسد .

سفال سازی در انگلستان بطور عمده در " استافورد شایر " متمرکز بوده و معمولا " از منابع خاک رس جنوب غربی کشور استفاده می نماید . این کشور از صادرکنندگان بزرگ کائولن درجه ۱ -ان می باشد . محصولات عمده سفالی در انگلستان عبارتند از : ظروف چینی ، ظروف گلی و ظروف سفالین سنگ نما - که در مجموع ۵۴ درصد از تولید این صنعت را تشکیل می دهند . ظرف چینی انگلستان از مرغوبترین نوع آن در جهان است و بخش اعظم آن به خارج صادر می شود .

اگرچه تولیدات صنعت ساخت ماشین آلات کشاورزی در انگلستان - در نتیجه کاهش جهانی تقاضا - در دهه ۱۹۷۰ شدیداً تنزل نمود لیکن این کشور هنوز بزرگترین تولیدکننده تراکتور در اروپای غربی به شمار می رود و تولید این محصول $\frac{۲}{۳}$ از کل تولید تجهیزات کشاورزی آن را تشکیل می دهد . در سال ۱۹۸۶ ارزش کل تراکتورهای تولید شده در انگلستان بالغ بر ۱۱۵۴ میلیون پوند بوده است .

تقریباً " کلیه ماشین ابزارهای تولید شده در انگلستان به وسیله " صنایع مهندسی ، ساخت وسائط نقلیه و کالاهای فلزی "

خریداری می‌شود. رکود این بخشها تا سال ۱۹۸۳ باعث کاهش شدید فروش ماشین‌های ابزار در این کشور گردید.

در سال ۱۹۸۶ حدود ۷۶ درصد از فروش ماشین‌آلات نساجی، به صورت صادراتی بوده است. (لازم به ذکر است که ابداعات جدیدی در ساخت این ماشین‌آلات در انگلستان ایجاد شده است که استفاده از سیستم‌های مختلف کامپیوتری جهت رنگرزی و بافت و ریسندگی از آن جمله است.)

تولید اتومبیل در انگلستان تقریباً " بطور انحصاری در اختیار چهار گروه عمده می‌باشد که تولیدات آنها در مجموع ۹۶ درصد از کل تولیدات اتومبیل در این کشور را تشکیل می‌دهد این چهار گروه عبارتند از: رور (۱)، واکسال (۲)، فورد و پیس-ژو-تالپوت. ۴ درصد بقیه در اختیار تولیدکنندگان کوچکتری است که فعالیتهای تخصصی تری دارند مانند جاگوار و رولزرویس.

انگلستان در زمینه کشتی سازی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و در حال حاضر نیز در زمینه ساخت، تبدیل و تعمیر کشتیهای تجاری و جنگی و دیگر انواع کشتی، زیردریایی و قایق بسیار فعال می‌باشد. از فعالیتهای عمده این صنعت در انگلستان تأمین نیازهای نیروی دریایی این کشور و تبدیل و ساخت کشتیهای جنگی برای سایر کشورها است. استخراج نفت دریای شمال باعث بوجود آمدن صنعت ساخت سکوهاى ثابت و نیمه شناور برای حفاری و... گردید و در سال ۱۹۸۶ بیش از چهار هزار کارخانه و شرکت در زمینه‌های فوق فعالیت داشته‌اند.

(۱): Rover

(۲): Vauxhall

در سالهای اخیر علی‌رغم کاهش فعالیت صنعت نساجی در انگلستان، این صنعت هنوز هم از صنایع بزرگ این کشور به‌شمار می‌آید محصولات اصلی این صنعت شامل: انواع پارچه (با بافتهای مختلف)، لباس، منسوجات خانگی و فرش است که اساساً از پشم، پنبه و الیاف مصنوعی ساخته می‌شوند. صنعت نساجی در انگلستان مشتمل بر پنج هزار کارخانه می‌باشد که تعداد معدودی شرکتهای بسیار بزرگ و تعداد زیادی کارخانه (کوچک و متوسط) تشکیل شده است. در انگلستان نیز مانند سایر کشورهای توسعه یافته، صنعت نساجی به دلیل تولید ارزان آن در کشورهای در حال توسعه آسیب دیده است لیکن استفاده از تکنولوژی پیشرفته این امکان را به وجود آورده تا نساجی انگلستان قدرت رقابت با این کشورها را داشته باشد.

سایر صنایع در انگلستان عبارتند از: صنایع ساخت اثاثیه و مبلمان، صنایع کاغذ و مقواسازی و صحافی و گراورسازی، صنایع ساخت لوازم لاستیکی و پلاستیکی (تایر و تیوب و انواع کابل و شیلنگ و تسمه‌های نقاله)، صنایع ساخت اسباب بازی و بالاخره جواهرسازی و ساخت ظروف طلا و نقره.

معسدن :
XXXXXXXXXX

انگلستان از نظر معادن زغال سنگ بسیار غنی است و به دلیل مجاورت با دریا، حمل و نقل ذغال آنها بسیار آسان و کم هزینه می‌باشد. به علاوه اکثر معادن سارگه‌های ضخیم در عمق بسیار کم قرار دارند. در گذشته محصول زغال سنگ این کشور به مراتب بیش

از امروز بوده است لیکن در سالهای اخیر به دلیل پایان یافتن رگه‌های سطحی، محصول تولیدی نیز روبه‌کاهش رفته است. معادن آهن نیز در این کشور اغلب در مجاورت معادن زغال سنگ قرار گرفته‌اند که این امر همواره به استخراج و تصفیه آنها کمک نموده است. سایر معادنی که در انگلستان وجود دارد عبارتند از: مس، سرب، روی و قلع. اما از آنجا که تولید داخلی کفاف نیازهای داخلی را نمی‌دهد انگلستان همه ساله مقادیر معتنا بهی از این مواد را از سایر کشورها وارد می‌نماید. به دلیل اهمیت تولیدات معدنی در انگلستان دولت کمکهایی را در جهت اکتشاف منابع و معادن جدید ارائه نموده است. در سال ۱۹۸۵ تولید مواد معدنی غیر سوختی جمعاً به ۳۰۷ میلیون تن رسید که ارزش کل آن در حدود ۱۴۶۱ میلیون پوند بوده است. همچنین در این سال تعداد کل شاغلین این بخش به ۳۶۰۰۰ نفر بالغ گردید.

خدمات :
XXXXXXXXXX

در انگلستان بخش خدمات و درآمدهای حاصل از آن از اهمیت خاصی برخوردار است. در سال ۱۹۸۶ سهم این بخش، از تولید ناخالص داخلی ۶۰ درصد بوده و ۶۷ درصد از کل شاغلین را نیز در اختیار داشته است. حال آنکه این نسبتها در سال ۱۹۶۰، به ترتیب ۴۵ و ۴۸ درصد بوده است. در این کشور بازرگانی خارجی اقلام خدماتی نیز رشد زیادی یافته است بطوری که در سال ۱۹۸۶ درآمد خارجی حاصل از صادرات خدمات نزدیک به نصف ارزش صادرات بخش صنعت بوده است. تعداد شاغلین در این بخش (به استثنای سالهای

۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲) همواره در حال افزایش بوده است. از اوایل دهه ۱۹۷۰ اشتغال در بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی در حال افزایش بود که این روند عکس دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ است که بخش اعظم آن نیز در نتیجه سیاستهای دولت در جهت محدود نمودن اشتغال در بخش دولتی می باشد. از دلایل عمده افزایش اهمیت بخش خدمات افزایش درآمد واقعی مردم انگلستان بوده است. از میان سایر عوامل، افزایش تقاضا برای خدمات بانکی و گسترش تمایل به خرید مسکن در مقابل اجاره آن، تغییرات جمعیتی و افزایش تعداد سالخوردگان در ترکیب جمعیت و کاهش ساعات کار، را می توان نام برد. رشته های عمده مربوط به خدمات عبارتند از: عمده فروشی، تعمیرات، خرده فروشی، هتلداری و تأمین مواد غذایی، حمل و نقل، خدمات پستی و ارتباطات، بانکداری، خدمات مالی و بیمه، مدیریت دولتی، آموزش، پزشکی و سایر خدمات بهداشتی، خدمات دامپزشکی و سایر خدماتی که جزئی بوده و خود قسمتی از خدمات فوق می باشند.

جدول شماره ۱۵- رشته های عمده مربوط به خدمات و میزان اشتغال آنها در انگلستان طی سال

۱۹۸۶

توزیع هتلها و تأمین مواد غذایی	حمل و نقل، ارتباطات و خدمات پستی	خدمات بانکی و مالی، بیمه	مدیریت دولتی (ادارات)	آموزش و بهداشت	سایر خدمات	کلیات خدمات
۴۴۰۳	۱۳۴۱	۲۲۰۳	۱۹۸۳	۲۹۷۲	۱۵۹۲	۱۳۳۹۵
۲۰/۲	۶/۲	۱۰/۲	۹/۲	۱۳/۸	۷/۲	۶۷/۱

اختلاف بین جمع کل و ریزا قلام در نتیجه گرد کردن اعداد است.

C.O.I., Britain 1988, p.333.

مأخذ:

از اواسط سال ۱۹۸۶ حدود چهار میلیون نفر درزمینه توزیع و رشته‌های مربوط به آن اشتغال داشته‌اند که این رقم حدود ۲۰ درصد از کل اشتغال در این کشور و حدود ۴۰ درصد از تعداد شاغلین بخش خدمات می‌باشد. در سال ۱۹۸۵ نزدیک به ۱۰۹۸۰۰ مورد از مشاغل درزمینه عمده‌فروشی و معاملات فعالیت داشته‌اند که کل فروش آنها در این سال (با احتساب فروش به سایر عمده‌فروشا) بالغ بر ۱۷۱۰۰۰۰ میلیون پوند بوده است. زمینه‌های اصلی فعالیت عمده‌فروشا در انگلستان عبارتند از: مواد غذایی و مشروبات؛ فرآورده‌های نفتی؛ مواد صنعتی؛ کالاهای کشاورزی و دام و ماشین‌آلات صنعتی. بازارهای عمده‌فروشی مواد غذایی در لندن عبارتند از: بازار نیوکاونت گاردن^(۱)، بازار اصلی میوه و سبزیجات؛ بازار اسمیت‌فیلد^(۲)، بازار اصلی گوشت؛ و بازار بیلینگزگیت^(۳)، بازار اصلی ماهی.

در سالهای اخیر روند رشد فروش کل خرده‌فروشی در انگلستان نسبتاً "کند" بوده است. بطوری که در ژوئن سال ۱۹۸۶ فروش کل خرده‌فروشی، ۸ درصد بیش از سال ۱۹۸۵ بود. شبکه خرده‌فروشی در انگلستان شامل انواع مختلف فروشگاهها می‌باشد که به‌قراریز است: فروشگاههای زنجیره‌ای^(۴) که دارای حداقل ده شعبه می‌باشند؛ سوپرمارکت‌هایی^(۵) که کالاهای مختلف را به‌فروش می‌رسانند؛

(۱): New Covent Garden

(۲): Smith Field

(۳): Billingsgate

(۴): Multiple retailers

(۵): Mixed retail businesses

تعاونیه‌های خرده‌فروشی که به صورت سازمانهای غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند؛ فروشگاههای حراجی که تمام یا بخشی از کالاهای خود را با تخفیف به فروش می‌رسانند؛ و فروش از طریق پست که حدود بیست میلیون نفر بطور منظم از طریق آن خرید می‌نمایند. البته در سالهای اخیر این بخش تغییراتی یافته که عبارتند از: افزایش فروش در فروشگاههای زنجیره‌ای و افزایش تعداد فروشگاههای سلف‌سرویس و افزایش در بهره‌گیری از خدمات کامپیوتری. لازم به یادآوری است که بخش اخیر دربرگیرنده سوپرمارکت‌ها، سوپر-استورها (۱) و هایپرمارکت‌ها (۲) نیز می‌باشد.

پول و بانکداری :
xxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

محور سیستم بانکی در انگلستان بانک مرکزی این کشور موسوم به "بانک انگلیس" (۳) است. این بانک در سال ۱۶۹۴ م. تأسیس شد و در سال ۱۹۴۶ به صورت یک موسسه کاملاً دولتی درآمد. بانک انگلیس تابع خزانه‌داری کشور است بطوری که خزانه‌داری می‌تواند پس از مشورت با رئیس بانک، دستوراتی به بانک صادر نماید. بانک انگلیس وظیفه انحصاری نشر اسکناس و همچنین مدیریت قرضه ملی را نیز برعهده دارد. ضمن اینکه این بانک حسابدار دولت و نماینده آن در مدیریت حسابهای ارزی نیز می‌باشد. همچنین نظارت بر فعالیت کلیه بانکها برعهده بانک انگلیس بوده و بنا بر

- (۱): Super Markets
- (۲): Hypermarkets
- (۳): Bank of England

قانون بانکی ۱۹۴۶ می‌تواند هر نوع اطلاعاتی را از آنها درخواست نماید و در صورت تأیید خزانه‌داری برای آنها دستوراتی هم صادر کند. در سیستم بانکی انگلستان موسسات مالی مختلفی وجود دارند که در بازارهای داخلی و ارز اروپایی فعالیت می‌کنند و عبارتند از: موسسات سپرده‌پذیر (۱)، موسسات سرمایه‌گذاری (۲)؛ و موسسات تخصصی (۳). موسسات سپرده‌پذیر بطور کلی شامل: بانکهای ارائه‌کننده خدمات جزء (۴)، بانک‌های بازرگانی (۵)، بانک‌های خارجی (۶)، بانک‌های خارجی بریتانیا، موسسات تنزیلی (۷)، شرکت‌های تأمین‌کننده فعالیت‌های ساختمانی (۸)، و بانک پس‌انداز ملی (۹)، می‌باشد. موسسات سرمایه‌گذار نیز عبارتند از: شرکت‌های بیمه (لویدرز (۱۰)، دلالت‌های بیمه و ECD) (۱۱)؛ صندوق‌های بازنشستگی (۱۲)؛ و تراست‌های سرمایه‌گذاری (۱۳). موسسات تخصصی در انگلستان به چهار دسته ذیل تقسیم می‌شوند: موسسات مالی (۱۴).

- (۱): Deposit Taking institutions
 (۲): Investing institutions
 (۳): Specialised institutions
 (۴): Retail banks
 (۵): Merchant banks
 (۶): Overseas banks
 (۷): Discount houses
 (۸): Building societies
 (۹): National Savings bank
 (۱۰): Lloyds
 (۱۱): European Community Directives
 (۱۲): Pension funds
 (۱۳): Investment and unit trusts
 (۱۴): Finance Houses

شرکتهای اجاره (۱)، شرکتهای عامل (۲)، و شرکتهای سهامی مالی (۳).

بازارهای مالی در انگلستان به بخشهای مختلفی تقسیم میشوند. اصلیترین بازارهای مالی سازمان یافته داخلی، بازارهای اوراق بهادار است که بورس سهام (۴) و بازارهای پولی مهمترین آنها هستند. سایر بازارهای مهم در لندن عبارتند از: بازار ارز، بازار سلف مالی (۵)، بازارهای اوراق قرضه اروپایی و امریکایی، (Eurobond & Eurodollar) بازار بیمه لویدز، بازار شمش طلا و بازار کالا.

بازرگانی خارجی :
xxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

انگلیسیها از دیرباز ملتی بازرگان بوده و از صادرکنندگان عمده به شمار میآمدند بطوری که در قرنهای اخیر کالاهای ساخت انگلستان به تمام کشورهای جهان صادر می شده است. در طی دوره سلطنت "الیزابت اول"، انگلستان از کشتیهای اسپانیایی شمشهای طلا و نقره را - که به مقصد هلند حمل می شد - میزدید. این کار باعث بسته شدن بنا در هلند - توسط اسپانیاییها - بر روی کشتیهای انگلیسی گردید. همچنین در این دوره فروش مستقیم اجناس به مصرف کنندگان جای خود را به فروش از طریق واسطه های

- (۱۵): Leasing companies
- (۱۶): Factoring companies
- (۱۷): Finance corporation
- (۱۸): Stock exchange
- (۱۹): Financial futures market

خارجی - که در راس آن انگلستان قرار داشت - داده بود. در انگلستان تا پیش از قرن شانزدهم نظام صنفی برقرار بود لیکن در این قرن جای خود را به سیستم سرمایه‌داری بازرگانی داد که به واسطه آن نظام بازرگانی خارجی یا " ماوراء بحار " تشکیل گردید. در نیمه دوم قرن هیجدهم در اروپا انقلاب صنعتی واقع گردید و برای بسیاری از مردم ایجاد اشتغال نمود. قرن نوزدهم نسل تازه‌ای را به وجود آورد که " سرمایه‌داران بزرگ " خوانده می‌شدند. در طی این قرن کمیانی هند شرقی از بین رفت و بطور کلی در قرن نوزدهم، بازرگانی گسترش یافت و از امنیتی که پیش از آن سابقه نداشت برخوردار گردید. پس از تصاحب کانال سوئز - توسط دیزرائیلی - بازرگانی انگلستان با شرق سرعت بیشتری یافت. نیروی دریایی این کشور در کلیه آبهای جهان حضور داشت و قلمروهای تازه‌ای در کانادا، آفریقا، آسیا و استرالیا و نواحی اطراف آن می‌گشود و شهر لندن به صورت بزرگترین شهر نامی جهان و مرکز معاملات فلزی و سنگهای فلزی درآمد. پس از آن در پی جنگ با بوئرها آفریقای جنوبی به تصرف انگلستان درآمد و در این دوره اندیشه ایجاد امپراتوری بتدریج نضج گرفت و انگلستان ابتدا زنگبار و سپس نیجریه - و آنگاه سایر نقاط آفریقا را به تصرف درآورد. در اوایل قرن بیستم با وجود آمدن دو قدرت بازرگانی دیگر یعنی آمریکا و آلمان توان بازرگانی انگلستان روبه افول نهاده با فرارسیدن بحران بزرگ در سال ۱۹۲۹ ضعف بازرگانی انگلستان شدت بیشتری یافت.

لیکن پس از پایان جنگ دوم جهانی بازرگانی انگلیس مجدداً " رونق یافت . در سالهای آخر دهه ۱۹۷۰ این کشور بخش قابل توجهی از کل بازرگانی جهان را در دست داشته است و در این زمان تقریباً $\frac{1}{3}$ از مایحتاج غذایی و بخشی از نیازهای صنعتی خود را - که در گذشته مواد اولیه بود لیکن در این زمان بیشتر شامل ماشین آلات بود ، از طریق واردات تأمین می کرده است . در سال ۱۹۸۶ ارزش صادرات مرئی این کشور بالغ بر ۷۲۸۰۰ میلیون پوند بوده است . با وجود آنکه در طی سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ هم واردات و هم صادرات از نظر کمیت به ترتیب $\frac{6}{3}$ و $\frac{3}{7}$ درصد افزایش یافتند ، لیکن شاخص ارزش واحد صادرات و واردات به ترتیب $\frac{4}{8}$ و $\frac{7}{7}$ درصد کاهش داشتند .

جدول شماره ۱۶- واردات و صادرات انگلستان در طی سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶

رابطه مبادله % ۱۹۸۰=۱۰۰	شاخص ارزش واحد ۱۹۸۰=۱۰۰		شاخص مقدار ۱۹۸۰=۱۰۰		ارزش (میلیون پوند)		
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	
					£.o.b	£.o.b	
۹۸/۸	۱۴۵/۲	۱۴۳/۵	۱۲۶	۱۱۸/۷	۸۰۲۸۹	۷۸۱۱۱	۱۹۸۵
۱۰۱/۹	۱۳۴	۱۳۶/۶	۱۳۳/۹	۱۲۳/۱	۸۱۰۹۸	۷۲۸۴۳	۱۹۸۶

مأخذ: C.O.I. Britain 1988, p.375

انگلستان از دیرباز صادرکننده سنتی کالاهای صنعتی و واردکننده مواد غذایی و مواد اولیه (Basic material) بوده است ، لیکن در سالهای اخیر کالاهای صنعتی سهم کمتری در صادرات این کشور داشته اند . هرچند که در سال ۱۹۸۶ به دلیل کاهش قیمت نفت سهم کالاهای صنعتی در کل صادرات افزایش یافته است . سهم کالاهای صنعتی در کل صادرات از ۸۴ درصد در سال ۱۹۷۰ به

۷۵ درصد در سال ۱۹۸۶ کاهش یافت. قابل توجه است که سهم کالاهای صنعتی ساخته شده^(۱) در طی مدت مذکور از ۲۳ به ۴۷ درصد افزایش یافته است. بطوری که ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل حدود $\frac{1}{3}$ از صادرات و نیز $\frac{1}{3}$ از واردات این کشور را تشکیل داده است. صادرات منسوجات نیز در سال ۱۹۷۰، حدود ۵ درصد از کل صادرات انگلستان را به خود اختصاص داده است حال آنکه سال ۱۹۸۶ این نسبت را تنها $\frac{2}{3}$ درصد نشان می دهد. در طی همین سال این ارقام در مورد وسائط نقلیه به ترتیب حدود ۱۱ و ۵ درصد بوده است. در طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۶، سهم خواربار، مشروبات و دخانیات از کل واردات از ۲۲ درصد به حدود ۱۲ درصد و در همین مدت مسوود اولیه نیز از ۱۶ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است. از اواسط دهه ۱۹۷۰، کشف و استخراج نفت از دریای شمال تحول زیبایی در بازرگانی خارجی انگلستان ایجاد نموده است. در سال ۱۹۸۶ صادرات انواع سوخت (از نظر مقدار) بیش از پنج برابر صادرات سال ۱۹۷۵ بود. در حالی که واردات آن به کمتر از $\frac{2}{3}$ مقیدار واردات در سال ۱۹۷۵ بالغ گردید. در طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۶، سهم صادرات مواد سوختی از ۴ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافت در حالی که واردات آن از ۱۸ درصد به ۷ درصد کاهش یافت در سال ۱۹۸۶ کاهش بهای نفت موجب کاهش سهم سوختها در کل صادرات این کشور گردید.

سیاستهای بازرگانی انگلستان در دهه های اخیر برپایه توسعه روابط بازرگانی با کشورهای سرمایه داری غرب بنا گردیده

(۱): Finished manufacture

جدول شماره ۱۷- ترکیب کالای و ارزش صادرات و واردات انگلستان در سال ۱۹۸۶
واحد: میلیون پوند

واردات (c.i.f)		صادرات (f.o.b)		
سهام (درصد)	ارزش (میلیون پوند)	سهام (درصد)	ارزش (میلیون پوند)	
۲۴/۸	۲۱۳۴۹	۲۲/۲	۱۶۲۰۸	کالای غیرصنعتی (non-manufactures)
۱۱/۷	۱۰۰۶۷	۷/۵	۵۴۷۸	مواد غذایی، مشروبات و دخانیات
۵/۸	۴۹۸۸	۲/۸	۲۰۴۶	مواد اولیه
۷/۲	۶۲۹۴	۱۱/۹	۸۶۸۳	سوخنها
۷۳	۶۲۸۳۲	۷۴/۸	۵۴۵۹۵	کالای صنعتی (manufactured goods)
۲۶/۲	۲۲۶۷۳	۲۸/۲	۲۰۶۷۱	کالای نیمه ساخته : (semi-manufactures)
				شامل :
۸/۵	۷۳۴۴	۱۳/۳	۹۶۹۲	مواد شیمیایی
۳/۷	۳۱۶۳	۲/۲	۱۷۱۲	متنوجات
۲/۱	۱۷۹۶	۲/۶	۱۸۶۷	آهن و
۲/۱	۱۸۳۶	۲/۱	۱۵۵۲	فلزات غیر آهنی
۱/۹	۱۶۴۴	۲	۱۲۶۵	کالای ساخته شده فلزی
۸	۶۸۸۸	۶	۴۳۸۳	سایر
۴۶/۷	۴۰۱۶۰	۴۶/۵	۳۳۹۲۵	کالای ساخته شده : (finished manufactures)
				شامل :
۲۲/۵	۱۹۳۹۵	۲۵/۱	۱۸۳۱۴	ماشین آلات
۹/۲	۷۹۴۰	۵/۴	۳۹۵۴	وسائط نقلیه جاده‌ای
۳/۶	۳۰۷۸	۴/۳	۳۱۲۸	یوتاک ، کفش ، ابزار علمی و دستگامهای عکاسی
۷/۷	۶۶۳۵	۹/۸	۷۱۲۳	سایر
۲/۲	۱۸۸۴	۲	۲۲۰۶	متفرقه
۱۰۰	۸۶۰۶۶	۱۰۰	۷۳۰۰۹	جمع

مأخذ: C.O.I. Britain 1988, p. 376.

است. در بین این کشورها دو کشور ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی بیشترین سهم را در بازرگانی خارجی انگلستان داشته و عمده‌ترین طرفهای تجاری این کشور به‌شمار می‌روند. حال آنکه در سالهای اخیر به‌روابط با سایر کشورهای توسعه یافته غربی نیز توجه شده است. و به موازات افزایش اهمیت این کشورها (در دادوستدهای خارجی انگلستان) از اهمیت کشورهای در حال توسعه و تولیدکنندگان نفت‌کاسته شده است. مبادلات بازرگانی انگلستان با کشورهای بلوک شرق بسیار ناچیز است و نقش چندانی از کل بازرگانی این کشور ندارد.

در سال ۱۹۷۰، حدود ۷۳ درصد از صادرات انگلستان، به کشورهای توسعه یافته غرب صورت گرفته است. ضمن اینکه واردات آن نیز به همین مقدار از این کشورها بوده است. و این در حالی است که در سال ۱۹۸۶ این نسبت به ترتیب ۷۹ و ۸۵ درصد را نشان می‌دهد. در حدود نیمی از مبادلات بازرگانی انگلستان با کشورهای عضو جامعه اروپا صورت می‌پذیرد. در سال ۱۹۷۲ (یک سال قبل از الحاق انگلستان به جامعه اروپا) این نسبت معادل $\frac{1}{3}$ بوده است. اهمیت بازرگانی این کشور با سایر کشورهای "مشترک المنافع" نیز در حال کاهش است. در طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ آمریکا بزرگترین بازاری برای کالاهای انگلیسی بود. در حالی که در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ آلمان غربی بزرگترین صادرکننده کالا به انگلستان به‌شمار می‌آمد. در سال ۱۹۸۶ ایالات متحده آمریکا ۱۴ درصد از صادرات انگلستان را دریافت کرد. و حال آنکه در همین سال آلمان غربی تنها ۱۶ درصد از واردات این کشور را تأمین نموده

است. در سالهای اخیر تغییرات زیادی در روند بازرگانی خارجی انگلستان واقع گردیده است. در دهه ۱۹۷۰ کشورهای تولیدکننده نفت در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی، واردات خود را از کشورهای مختلف (از جمله انگلستان) به سرعت افزایش دادند بطوری که در سال ۱۹۸۰ این کشورها، ۱۲ درصد از صادرات انگلستان را دریافت کردند. پس از آن به دلیل کاهش قیمت نفت، واردات آنها از انگلستان کاهش یافت و در سال ۱۹۸۶ به ۸ درصد تنزل یافت. در سال ۱۹۷۳ کشورهای تولیدکننده نفت ۱۰ درصد از واردات انگلستان را تأمین نمودند لیکن پس از دستیابی این کشور به خودکفایی، در زمینه نفت این نسبت در سال ۱۹۸۶ به ۲ درصد کاهش یافت. در حال حاضر ژاپن حدود ۶ درصد از واردات انگلستان را تأمین می نماید که این مقدار نسبت به ده سال قبل دو برابر شده است.

جدول شماره ۱۸- صادرات بازرگانی انگلستان با طرفهای بازرگانی عمده آن کشور در سال ۱۹۸۶

رتبه	ارزش (میلیون پوند)	کشور و مناطق	درصد	ارزش (میلیون پوند)	درصد
		واردات از:			
	۱۶۱۲۹	جمهوری آلمان فدرال	۱۶/۱	۱۰۲۸۰	۱۰/۲
	۸۲۶۸	ایالات متحده آمریکا	۱۱/۷	۸۵۲۲	۹/۸
	۳۳۲۹	فرانسه	۸/۵	۶۲۱۰	۸/۵
	۶۶۱۶	هلند	۷/۵	۵۴۲۲	۷/۷
	۶۹۰۲	ژاپن	۵/۲	۳۸۲۲	۵/۷
	۲۶۵۸	ایتالیا	۲/۹	۲۶۵۸	۲/۹
	۲۰۸۲	بلژیک/لوگز/آمبرگ	۲/۸	۲۲۷۱	۲/۷
	۲۶۶۵	سوئد	۲/۶	۲۲۰۸	۲/۸
	۴۰۵۲	جمهوری ایرلند	۲/۲	۱۹۰۵	۲/۲
	۲۹۸۹	سوئیس	۲/۲	۱۶۹۸	۲/۵

C.O.I., Britain, 1988, p. 378